یادداشت روز

امارات، بحرین و تنها حرف حسابی که ترامپ زد!

سه‌شنبه شبی که گذشت، ریزکشورهای امارات و بحرین طی مراسمی در کاخ سفید یک توافق صلح برای عادی‌سازی روابط بین خود و رژیم صهیونیستی امضاء و با سر و صدای زیاد آن را منتشر کردند و به کشورهای خود بازگشتند. در این مراسم، «سران» آمریکا و رژیم صهیونیستی و از طرف آن دو کشور عربی، وزرای خارجه شرکت داشتند. این اتفاق جزو آن دسته از اتفاقاتی بود که، حاشیه‌هایش، مهم‌تر از متن بود. اینکه چرا «متن» اهمیتی نداشت را در ادامه توضیح خواهیم داد و اینجا فقط همین را بگوییم که، علنی شدن روابط قدیمی بحرین و امارات با رژیم صهیونیستی، تمام آن اتفاقی بود که در آن شب رخ داد... در این‌باره گفتنی‌هایی هست:

۱- اتفاقی که سه‌شنبه در آمریکا رخ داد، فی‌نفسه مهم نبود چون، روابط امارات، بحرین با رژیم صهیونیستی اصلا «غیرصلح‌آمیز» و «غیرعادی نبود» که در این روز عادی و صلح‌آمیز شده باشد. به گفته «افرایم هلیفی»، رئیس سابق موساد در گفت‌وگو با شبکه کان، «روابط ما با کشورهای خلیج (فارس) محصول امروز نیست بلکه از ۵۰ سال پیش وجود داشته است». این خیانت را بگذارید کنار خیانت «کمپ دیوید» و تحولات مهم پس از آن! توافق برای آشتی زمانی معنای آشتی می‌دهد که طرفین با یکدیگر در حالت تخاصم باشند مثل مصر دوران «انورسادات» و رژیم صهیونیستی دوران «مناخیم بگین» در سال ۱۹۷۸. در پیمان خیانت‌آمیز «کمپ دیوید» به‌دلیل اهمیت و جدیت موضوع، طرفین در بالاترین سطح شرکت کردند یعنی رئیس‌جمهور مصر، رئیس‌جمهور آمریکا (جیمی کارتر) و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دو طرف مصر و رژیم صهیونیستی با خیانت «سادات»، از حالت تخاصم واقعاً خارج شدند. اینکه در مراسم عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با صهیونیست‌ها وزرای خارجه این دو کشور آن هم با وضعی که همه دیدند شرکت می‌کنند و حتی نمی‌دانند در متن چه نوشته شده، اینکه نه در آمریکا و نه در سرزمین‌های اشغالی کسی این توافق را جدی نمی‌گیرد نشان می‌دهد، آنچه برگزار شد، صرفا یک شوی تبلیغاتی یا به تعبیر دقیق‌تر «نمایش یک سیرک» بود. بد نیست بدانید بالاترین مقامی که از این همه کشور اروپایی در این مراسم شرکت داشت، وزیر خارجه مجارستان بود. بله درست شنیدید، مجارستان!

این نمایش برنده نداشت و اگر هم داشت، برنده آن ترامپ و نتانیاهو بودند آن هم نه آن‌طور که وانمود می‌کنند. ترامپ که در ۴ سال گذشته هیچ دستاوردی - تأکید می‌شود - هیچ دستاوردی (داخلی یا خارجی) نداشته و در داخل کشورش نیز بنابر اعتراف رسانه‌ها و کارشناسان همین کشور، «افتضاح» کاشته، به دستاوردهای ولو «توخالی» اما «پُر سر و صدا» نیاز دارد تا تبدیل به رئیس‌جمهور یک دوره‌ای آمریکا نشود. ترامپ در مذاکره با کره شمالی شکست خورد، در تقابل با چین، جز تحریم بخشی از اقتصاد کشورش چیزی عایدش نشد، در هنگ‌کنگ و ونزوئلا نیز طرفی نبست و بارها به شکل پیدا و پنهان عاجزانه درخواست مذاکره با ایران داد که همه رد شد. کار ترامپ امروز به جایی رسیده که وزیر خارجه‌اش برای دستاوردسازی سراغ یکی از رهبران طالبان می‌رود! درباره وضعیت اقتصادی آمریکا در دوران ترامپ هم، همین یک جمله را که نیوزویک به تازگی منتشر کرده را عیناً تکرار کرده و رد می‌شویم: «در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به بدهی آمریکا ۷ تریلیون دلار اضافه شده است». اوضاع نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی نیز بهتر از ترامپ نیست. او علاوه بر بحران مشروعیت در سرزمین‌های اشغالی، پرونده‌های سنگین فساد نیز دارد که چندین بار او را تا مرز «زندان» و «خداحافظی از دنیای سیاست» پیش برده‌اند. این سرزمین اشغال شده، چندماهی است به‌دلیل همین پرونده‌های فساد، دستخوش آشوب‌های اجتماعی بی‌سابقه‌ای است طوری که نتانیاهو برای شرکت در همین سیرک ترامپ مجبور شد دور از چشم مردم و پنهانی به آمریکا سفر کند.

از آنجایی که «پول» بیش از آراء مردم در پیروزی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نقش دارد، این اتفاق شاید کمی به ترامپ کمک کند چرا که صهیونیسم یعنی «پول» و صهیونیست‌ها نیز برای عقب انداختن آن روز موعود دیگر(که حداکثر ۲۰ سال دیگر فرا خواهد رسید!) از این نمایش‌ها بدشان نمی‌آید. خلاصه اینکه، ترامپ شاید بتواند با چنین نمایش‌هایی حمایت بیشتر صهیونیست‌های بانفوذ و ثروتمند را جلب و در انتخاباتی که همه نظرسنجی‌ها، شکستش را پیش‌بینی می‌کنند، از آن بهره ببرد. نتانیاهو نیز برای فرار از پرونده‌های فساد و جبران کاهش بی‌سابقه محبوبیت و آرام کردن شهرک‌نشینان خشمگین، به چنین بازی‌هایی نیاز دارد، اما اعتراض‌های خیابانی علیه فساد نتانیاهو پس از این نمایش نیز ادامه دارند!

۲- حقیقت این است که، این نمایش برنده واقعی نداشت اما بازنده واقعی چرا، داشت. شما بفرمایید! امارات و بحرین چه نفعی از این نمایش خیانت بردند؟ آنها که سال‌هاست با رژیم صهیونیستی آن هم در بالاترین سطح حشر و نشر دارند. این دو کشور بازنده‌اند چون، از این پس تکلیف جهان عرب و جهان اسلام با آنها روشن می‌شود. سران کشورهای مرتجع عربی به موضوع فلسطین که می‌رسیدند، آن را «مسئله جهان عرب» جا زده و از ایران می‌خواستند در آن دخالت نکند. حالا اما با این خیانت، جهان عرب فهمید آرمان فلسطین، واقعاً مسئله سران کشورهای مرتجع عربی نیست! دیروز حتی خبر رسید دو میلیون امضاء در مخالفت با خیانت امارات و بحرین به آرمان فلسطین جمع شده و تعداد امضاءها لحظه به لحظه در حال زیاد شدن است. امارات نیز کسانی را که به نقد این توافق بپردازند و با آن مخالفت کنند، تهدید به زندان و جریمه‌های سنگین نقدی کرده است. همین دو خبر یعنی، امارات و بحرین باختند.

۳- شاید گفته شود، این توافق یک دستاورد بسیار مهم برای رژیم صهیونیستی و آمریکا داشت و آن اینکه، هم کشورهای مرتجع عربی را علیه ایران بسیج کرد و هم با آمدن صهیونیست‌ها به خلیج فارس، ایران بیش از گذشته در تهدید قرار گرفت که در پاسخ باید گفت، اولا همان‌طور که اشاره شد، صهیونیست‌ها با سران این کشورهای مرتجع، چند دهه است که در ارتباطند و در کشور آنها حضور دارند، ثانیا، صهیونیست‌ها اگر به ما نزدیک شده‌اند، معنایش این است که، ما هم به آنها نزدیک شده‌ایم! و اگر از یکی از این کشورها، خطایی علیه ایران عزیز سر بزند، در همان نقطه و همان سطح پاسخش را خواهند گرفت. ثالثا، مگر همین کشورهای مرتجع عربی در دوران دفاع مقدس، در جبهه ما بودند که حالا و با این توافق، به جبهه دشمن پیوسته باشند!؟

۴- برخی رسانه‌های صهیونیستی دو روز پس از امضاء این توافق اعلام کردند، بحرین و امارات تا لحظه امضاء متن توافقنامه، از متن آن بی‌خبر بودند؛ نه اینکه دنبال متن نبوده باشند، نه، آنها بارها از کاخ سفید خواسته بودند، متن را پیش از مراسم رسمی در اختیارشان قرار دهند تا مطالعه کنند اما کاخ سفید به این درخواست‌ها بی‌توجهی کرده و لحظه امضاء آن را در اختیارشان قرار داده بودند. تصورش را بکنید! این توافق، برای شخص ترامپ و نتانیاهو اندکی آورده داشت اما برای بحرین و امارات جز «خطر» و «خسارت» و «بی‌آبرویی» هیچ آورده‌ای نداشت. یعنی اینجا این دو کشور عربی مفت و مجانی به آمریکا و رژیم صهیونیستی سواری داده‌اند ولی آنها حتی حاضر نشده‌اند، متن سواری دادنشان را، پیش از امضاء ببینند! این یعنی «تحقیر محض»! اگر تحقیر کردن جزو ماهیت مستکبر است، تحقیر شدن ذات رهبران وابسته است. روز سه‌شنبه گذشته، ترامپ دستور داد، امارات و بحرین اطاعت کردند، همین!

۵- مخاطب این قسمت، کشورهای مرتجع عربی‌اند. ترامپ دیر یا زود خواهد رفت. شما خواهید ماند و ملت‌های منطقه! شاید این دو سه ماه باقی مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، کشورهای وابسته دیگری مثل عربستان و عمان هم به جمع شما پیوسته و خیلی حساب شده، طوری که باعث ایجاد هیجانات شب انتخاباتی شوند! روابط خود با رژیم جعلی صهیونیستی را با دستور ترامپ علنی کنند. اما با مردم کشورهای خودتان چه خواهید کرد؟ امارات به‌عنوان یک بنگاه بزرگ اقتصادی بدون «امنیت»، «هیچ» است. بحرین هم که یک استان است با مردمانی ایرانی! این دو که پیش از این خیانت، میلیاردها دلار صرف تامین امنیت و ترمیم چهره خود می‌کردند، حالا و با این خیانت باید چقدر هزینه کنند؟! برای چه؟ برای اینکه ترامپ یک دوره دیگر بتواند رئیس‌جمهور آمریکا شود! ترامپ اگر یک حرف حساب در عمرش زده باشد، گذاشتن نام «گاوهای شیرده» روی چنین کشورهایی است.

جعفر بلوری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

خالی‌بندی ترامپ با مکانیسم ماشه

سرویس سیاسی- **آمریکا و اروپا مدت هاست که ماشه را چکانده‌اند. هدف اصلی ترامپ و شرکای اروپایی‌اش از لاف‌زنی درباره مکانیسم ماشه، باجگیری از ایران است. تنها پاسخ متقابل در واکنش به اجرای مکانیسم ماشه، خروج ایران از برجام است.**

آمریکا با همصدایی تروئیکای اروپا(انگلیس، فرانسه، آلمان) مدتی است که درباره اجرای مکانیسم ماشه و تبعات آن به لاف زنی مشغول هستند.

ترامپ و پمپئو و دیگر مقامات آمریکایی در ماههای اخیر به دفعات درباره راه‌اندازی مکانیسم ماشه هشدار داده‌اند. برای نمونه در هفته‌های گذشته، ترامپ در اظهارنظری گستاخانه گفت:«به وزیر خارجه دستور داده‌ام مکانیسم ماشه را برای بازگرداندن تمامی تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران فعال کند. اقدام ما کاملا طبیعی است».

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا نیز در روزهای گذشته مدعی شد:«تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که مطابق توافق هسته‌ای لغو یا تعلیق شده‌اند از نیمه شب ۲۰ سپتامبر (۳۰ شهریور) دوباره اعمال خواهند شد.»

یک دیپلمات ارشد شورای امنیت سازمان ملل متحد که به شرط عدم افشای نام با خبرگزاری رویترز گفت‌وگو کرده درباره تلاش آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌ها از طریق ساز و کار موسوم به «مکانیسم ماشه» گفت: «[تلاش آمریکا] مثل این است که ماشه‌ای چکانده شود و گلوله‌ای خارج نشود».

خالی بندی با مکانیسم ماشه برای باجگیری

منتقدان برجام بارها هشدار داده بودند که این توافق ضعیف و یک‌طرفه، قادر به رفع تحریم‌ها و حفظ منافع ملی کشور نیست و برخلاف آنچه حامیان برجام می‌گویند، قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران لغو نشده و فقط ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ تجمیع شده که به راحتی با ابزار فریبکارانه «مکانیسم ماشه» قابل بازگشت هستند.

اعضای اروپایی برجام مدعی شده‌اند که هدفشان از راه‌اندازی مکانیسم ماشه، حفظ توافق هسته‌ای از طریق بحث و رایزنی با ایران برای بازگشت به تعهداتش ذیل برجام است، نه بازاعمال تحریم‌های سازمان ملل.

برخلاف این ادعا، اروپایی‌ها در پی آن هستند که با نگه‌داشتن تهدید مکانیسم ماشه بالای سر ایران، در اقدامی باجگیرانه، برجام‌های بعدی را به مردم ایران تحمیل کنند.

هدف اصلی طرف اروپایی، برجامیزه کردن توان موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران است. اعضای اروپایی برجام بارها اذعان کرده‌اند که در مسئله ایران، با آمریکا دارای هدف مشترک بوده و تنها در روش‌های رسیدن به این هدف مشترک، با آمریکا اختلاف‌نظر دارد.

در برجام، قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران لغو نشده بلکه تحت قطعنامه ۲۲۳۱ تجمیع شده و در صورت تخلف ایران از برجام قابل بازگشت خواهد بود! سؤال این است که کدامیک از قطعنامه‌های قبلی در حال اجرا نیست که باید از بازگشت آنها نگران باشیم و از ترس بازگشت باج بدهیم؟!

موضوع تمامی‌قطعنامه‌هایی که ادعا می‌شود با برجام لغو شده است، تحریم کشورمان است! آیا هم‌اکنون انواع تحریم‌ها علیه ایران اجرا نمی‌شود؟! و آیا هیچ تحریم دیگری را می‌توان آدرس داد که علیه کشورمان به‌کار نگرفته و در حال اجرای آن نباشند؟! بنابراین ماشه مورداشاره در مکانیسم ماشه را مدت‌هاست که چکانده‌اند!

فعال شدن مکانیسم ماشه، خروج ایران از برجام

حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی هفته گذشته بااشاره به مسئله مکانیسم ماشه گفت: طرحی سه فوریتی آماده شده است تا با تصویب آن با شیطنت اروپایی‌ها و آمریکا مقابله کنیم.

در صورت تصویب طرح ۳ فوریتی مجلس با موضوع اقدام متقابل ایران، پس از فعال شدن مکانیسم ماشه از برجام خارج می‌شویم.

متاسفانه این ادراک در طرف آمریکایی ایجاد شده است که دولت ایران منتظر انتخابات آمریکا و بازگشت دموکرات‌ها به کاخ سفید است و به همین دلیل در برابر اقدامات آمریکا (از جمله فعال کردن مکانیزم ماشه)، واکنشی نشان نخواهد داد.

این ادراک آمریکا از ایران باعث فعال کردن مکانیزم ماشه شده است و تا زمانی که ایران از طریق اقدامات واقعی متقابل، ادراک آمریکا را اصلاح نکند، فشارها افزایش خواهد یافت.

خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ فرصتی برای جلوگیری از خسارت‌های برجام بود که از این فرصت استفاده نگردید. ۳۰ شهریور ۹۹ فرصتی دیگر برای پایان دادن به تعهدات هسته‌ای و نقطه حساسی در حیات جمهوری اسلامی است. در صورت موفقیت آمریکا در بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت و عدم اقدام متقابل از سوی ایران، اجرای تعهدات برجامی (که ۵۱ تعهد از ۸۱ تعهد به‌طور کامل در حال اجرا است)، به‌طور یکجانبه ادامه پیدا می‌کند. از سوی دیگر این انفعال، پیام ضعف به دوستان و دشمنان ارسال می‌کند. دشمنان (آمریکا و اروپا) در دشمنی خود جریتر شده و دوستان (روسیه و چین) حمایت خود را از ایران کم‌رنگ‌تر خواهند کرد.

همصدایی اروپا با آمریکا

در روزهای گذشته تروئیکای اروپا با صدور بیانیه‌ای گستاخانه با متهم کردن ایران به نقض مداوم برجام و این ادعا که اروپا حتی فراتر از تعهدات خود در برجام نیز عمل کرده است، مدعی شدند:«برخی از اقدامات ایران، عواقب غیرقابل سنجشی دارند. به همین دلیل بود که تروئیکای اروپایی در تاریخ چهاردهم ژانویه، مکانیسم حل اختلاف را کلید زد. ما این کار را با حسن نیت و با امید به یافتن راه پیشرفت دیپلماتیک در عین حفظ توافق، انجام دادیم».

در روزهای گذشته همچنین دومینیک راب، وزیر امور خارجه انگلیس در کنفرانس خبری مشترک با همتای آمریکایی خود گفت که با این کشور درباره ایران‌اشتراک‌نظر دارد.

راب در پاسخ به سؤال یک خبرنگار درباره موضع انگلیس درخصوص اقدام آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران بار دیگر موضع این کشور درخصوص برجام را یادآور شد، اما گفت نگرانی‌های مشترکی با آمریکا درخصوص «تهدید ایران» دارد.

وی در اظهارنظری گستاخانه گفت: از نقطه نظر انگلیس، ما درباره ایران و تهدید ایران- چه از حیث برنامه هسته‌ای این کشور و چه از نظر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور- نگرانی‌های مشترکی با آمریکا داریم.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

آخرین آرزو!

گفت: سناتورهای دموکرات آمریکا لایحه‌ای تهیه کرده‌اند که بر اساس آن دولت آمریکا ۳۵۰ میلیارد دلار برای مقابله با فعالیت‌های روبه رشد چین در حوزه علم، فناوری و تولید هزینه می‌کند!

گفتم: بدهی آمریکا از رقم بی‌سابقه ۷ تریلیون دلار گذشته است، اعتراضات مردمی به رژیم حاکم هر روز گسترش بیشتری پیدا می‌کند تا آنجا که رئیس اف‌بی‌آی احتمال جنگ داخلی را بسیار قوی می‌داند و آمریکا رکورددار بیشترین مرگ و میر ناشی از کرونا در جهان است، ۵۰ میلیون نفر کار خود را از دست داده‌اند و... با این حال نزار می‌خواهد ۳۵۰ میلیارد دلار برای مقابله با رشد علمی چین هزینه کند؟!

گفت: تازه شعار کمک به رشد علمی و فناوری را هم یدک می‌کشد! امان از رقابت برخاسته از پست‌فطرتی و حسادت!

گفتم: دو نفر را می‌خواستند اعدام کنند، به اولی گفتند اگر آرزویی داری بگو؟ گفت؛ می‌خواهم خانواده‌ام را ببینم. از دومی پرسیدند چه آرزویی داری؟ گفت؛ نگذارید او خانواده‌اش را ببیند!

لاوروف: تلاش‌های ضدایرانی آمریکا به بن‌بست منتهی می‌شود

وزیر خارجه روسیه در مصاحبه‌ای اعلام کرد: تمام منطق کنونی سیاست آمریکا بر این موضوع استوار است که تمام تلاش‌ها باید معطوف مجازات و بازداشتن ایران شود و فقط تغییر حکومت ایران است که اجازه می‌دهد کل منطقه سرانجام آزادانه نفس بکشد. این راه به بن‌بست منتهی می‌شود.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری اسپوتنیک اعلام کرد: آمریکایی‌ها در تلاشند تا تمام گفت‌وگوهای مربوط به مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا را به مسیرهای ضد ایرانی سوق دهند.

به گزارش مهر، وی با بیان اینکه دولت کنونی آمریکا تلاش می‌کند ایران را اهریمن و مایه شرارت(!) جلوه دهد، گفت: ادعا می‌شود که ایران اصلی‌ترین مشکل کل منطقه (خلیج فارس) و همچنین سایر مناطق جهان است؛ همچنین تهران به نوعی متهم به دخالت در امور داخلی کشورهای مربوطه نیز می‌شود.

لاوروف در این خصوص معتقد است: این یک رویکرد بدون چشم‌انداز و ناامیدکننده بوده و راهی منتهی به بن‌بست است. این رویکرد بدون چشم‌انداز و ناامیدکننده است زیرا مشکلات و مسائل را تنها با توافق میان همه طرف‌ها می‌توان به‌طور پایدار و مطمئن حل کرد؛ اما تمام منطق کنونی سیاست آمریکا بر این موضوع استوار است که تمام تلاش‌ها باید معطوف مجازات و بازداشتن ایران شود و فقط تغییر حکومت ایران است که اجازه می‌دهد کل منطقه سرانجام آزادانه نفس بکشد. این راه به بن‌بست منتهی می‌شود.

وزیر خارجه روسیه گفت: ما همواره با کشورهای اروپایی و چین از توافق برجام برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران که در سال ۲۰۱۵ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شد و اکنون آمریکایی‌ها دوباره با پیروی از سیاست اهریمن جلوه دادن ایران در همه زمینه‌ها در حال تخریب آن هستند، دفاع می‌کنیم. اکنون بحث در شورای امنیت سازمان ملل ادامه دارد، ۱۳ کشور از ۱۵ کشور عضو آن مخالف شدید تلاش‌ها برای از بین بردن برجام و مقصر دانستن ایران در هر اتفاقی هستند.

خبر ویژه

ایران با فروش میعانات گازی تحریم‌های نفتی را دور زد

ایران با دور زدن تحریم‌های آمریکا توانست دو میلیون بشکه میعانات گازی به ونزوئلا بفروشد.

دویچه وله آلمان در گزارشی نوشت: شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها از تخلیه محموله دو میلیون بشکه‌ای میعانات گازی ایران در بنادر ونزوئلا خبر داده‌اند. این تانکر پس از پاک‌کردن نام خود، با نام «هانی» به سمت ونزوئلا حرکت کرده است.

میعانات گازی، نوعی نفت خام فوق سبک و گران‌قیمت است که از میادین گازی تولید می‌شود و ونزوئلا با مخلوط کردن آن با نفت فوق‌سنگین خود، پروسه پالایش نفت را آسان‌تر خواهد کرد.

پارسال نیز ونزوئلا، بزرگترین دارنده ذخایر نفتی جهان، یک محموله میعانات گازی از الجزایر خریداری کرده بود، اما این کشور از ترس تحریم‌های آمریکا، دیگر محموله جدیدی به ونزوئلا ارسال نکرد.

نوع نفت ونزوئلا عمدتاً فوق سنگین است و پالایش آن نیاز به تکنولوژی بالا دارد. اما با مخلوط کردن این نوع نفت با نفت فوق سبک، یا همان میعانات گازی، پروسه پالایش و تولید بنزین راحت‌تر می‌شود.

ظرفیت پالایشگاهی ونزوئلا طی سال‌های گذشته از ۱/۵ میلیون بشکه در روز به حدود ۱۰۰ هزار بشکه در اوایل سال جاری میلادی رسید، اما ایران دو پالایشگاه این کشور را ماه مارس، (فروردین) تعمیر کرد و ظرفیت پالایشگاهی ونزوئلا را به بالای ۲۰۰ هزار بشکه در روز رساند.

با اینحال، یک هفته‌ای بعد از خروج مهندسان ایرانی از ونزوئلا، یکی از پالایشگاه‌های تعمیر شده آتش گرفت.

شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها، از جمله تانکر ترکرز می‌گویند ایران با دور زدن قاره آفریقا، به صورت پنهانی و در حالی که سیستم سیگنال‌دهی نفتکش را خاموش نگه داشته شده بود، ۲ میلیون بشکه میعانات گازی خود را به ونزوئلا رسانده است.

هنوز معلوم نیست ونزوئلا میعانات گازی ایران را با چه قیمتی خریده است، اما اوپک می‌نویسد متوسط قیمت نفت خام سنگین ایران در ماه گذشته میلادی زیر ۴۶ دلار بود. بدین ترتیب با توجه به اینکه میعانات گازی چند دلاری از نفت سنگین گران‌تر است، احتمالاً ارزش دو میلیون بشکه محموله ایران حدود ۹۵ میلیون دلار باشد.

چند ماه پیش ایران پنج محموله، جمعاً ۱/۵ میلیون بشکه بنزین تحویل ونزوئلا داد.

شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها اخیراً متوجه شدند سه نفتکش ایرانی با ۸۰۰ هزار بشکه بنزین در حال خروج از تنگه هرمز است و ابتدای ماه جاری میلادی، حدود دو هفته پیش بایستی این محموله‌ها به کانال سوئز می‌رسید. این شرکت‌ها، مقصد نهایی سه نفتکش ایرانی را «با احتمال بسیار بالا» ونزوئلا تخمین زده بودند، اما بعد از افشای حرکت آنها، نفتکش‌ها از حرکت باز ایستادند و احتمالاً مسیر خود را تغییر داده و دوباره با سیگنال خاموش از جنوب آفریقا به سمت ونزوئلا حرکت کنند.

روبرتر: ترامپ مقابل ایران تنها و ناکام مانده است

یک خبرگزاری انگلیسی که غالبا با مواضع ضد ایرانی آمریکا همسویی نشان می‌دهد، اذعان کرد دونالد ترامپ در مقابل ایران ناکام مانده و منزوی شده است.

رویتر نوشت: اصرار دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر اینکه بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران با مخالفت تقریبا همه اعضای شورای امنیت روبه‌رو شده است.

دیپلمات‌ها انتظار دارند که موضوع ایران محور سخنرانی ترامپ خطاب به نشست سران کشورها در سازمان ملل در سه‌شنبه هفته آینده باشد که تنها چند روز پس از موعدی انجام می‌شود که واشنگتن اصرار دارد همه کشورها باید از آن روز تحریم تسلیحاتی و دیگر تحریم‌های سازمان ملل را علیه ایران اعمال کنند.

وقتی ترامپ در اولین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا از «آتش و خشم» علیه کره شمالی گفت، دیپلمات‌ها هراسان شدند، اما در سال بعد وقتی او به گزافه‌گویی درباره دستاوردهای دولتش پرداخت، در میانه سخنرانی او خندیدند.

دولت ترامپ ماه گذشته قطعنامه‌ای برای تمدید تحریم تسلیحاتی علیه ایران که قرار است ۲۷ مهرماه بر اساس توافق صورت گرفته در برجام منقضی شود، به شورای امنیت ارایه کرد که با ۱۱ رای ممتنع، ۲ رای مخالف و تنها یک رای موافق روبه‌رو شد. تلاش بعدی واشنگتن برای فعال کردن مکانیسم ماشه نیز به دیوار مخالفت اکثریت قریب به اتفاق اعضای این شورا و همچنین ریاست آن برخورد.

یک دیپلمات ارشد اروپایی به رویترز گفت: باید اهرم فشار مشترکی علیه ایران در موضوع هسته‌ای و دیگر موضوعات وجود داشته باشد. وقتی اتحاد شکسته شود و یک کشور به تنهایی اقدام کند، باعث آسیب و کاهش فشار می‌شود.

یک دیپلمات ارشد دیگر در شورای امنیت سازمان ملل که او نیز به شرط بی‌نام ماندن با رویترز گفت‌وگو کرده، اظهار داشت: توافق هسته‌ای ایران(برجام) درست کار می‌کرد تا زمانی که واشنگتن از آن خارج شد.

به رسمیت شناختن اسرائیل مجوز ادامه جنایت در بحرین و یمن

آمریکا به واسطه توافق بحرین با اسرائیل، مجدداً به نقض حقوق بشر در بحرین و برخی کشورهای عربی مشابه می‌بندد.

تارنمای شبکه ان‌بی‌سی آمریکا ضمن انتشار تحلیل فوق می‌نویسد: پیمان سازش میان اسرائیل و بحرین و امارات، در خدمت اقتدارگرایی و سرکوب معترضان در بحرین است.

هرچند ترامپ ممکن است در آستانه انتخابات بخواهد چند امتیاز تحت عنوان رهبر صلح‌آور برای خودش منظور کند اما در حقیقت این توافق چیزی نیست مگر تقویت ارکان تسلیحاتی، اقتصادی و دیپلماتیک حکومتی که سرکوب‌گر جنبش دموکراسی‌خواه و جویای آزادی بحرین است امارات در سایه برقراری روابط با اسرائیل اکنون قرار است از آمریکا تسلیحات پیشرفته نظامی خریداری کند و بحرین هم (همسو با ابوظبی) به دنبال تحکیم نیروی دفاع هوایی خود است. این دو کشور در حالی به دنبال جلب حمایت و همکاری نظامی با آمریکا و اسرائیل هستند که این روابط به آنها نوعی مصونیت در قبال نقض گسترده حقوق بشر و نادیده گرفتن قوانین جنگی را اعطاء می‌کند.

عفو بین‌الملل در حد فاصل ژوئن ۲۰۱۷ تا ژوئن ۲۰۱۸ دست کم ۱۶۹ مورد از احضار، بازجویی، تعقیب، زندانی کردن و ممنوع‌السفر کردن مخالفان دولت بحرین یا اعضای خانواده آنها را ثبت کرده است (کشوری که اکثریت جمعیت آن شیعه است). تنها در یکی از این موارد، در ماه مه ۲۰۱۷، مقام‌های دولت بحرین ابتسام السایق، فعال حقوق بشری در بحرین را بازداشت و شکنجه کردند و در حالی که چشمانش را بسته بودند او را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند.

بحرین در ائتلاف عربستان در جنگ یمن حضور داشت همچون ریاض مسئول «کشتار غیرنظامیان و فاجعه انسانی در یمن است که در گزارش‌های متعدد سازمان ملل به آن اشاره شده است.

گشایش اقتصادی برای مردم بود یا بدهکار کردن دولت آینده؟!

معاون اول رئیس‌جمهور ناخواسته اعتراف کرد، هدف از طرح پیش‌فروش نفت، ایجاد درآمد برای دولت بوده و نه گشایش اقتصادی برای مردم.

به گزارش مشرق- با گذشت یک ماه از وعده رئیس‌جمهور درباره طرح دولت برای ایجاد گشایش اقتصادی، همانطور که در این مدت کارشناسان اقتصادی و نمایندگان مجلس گفته بودند، اکنون کاملا عیان شده که منظور آقای روحانی، گشایش اقتصادی برای دولت بود، نه مردم.

در طول یک هفته بعد از مطرح شدن وعده آقای روحانی درباره ایجاد گشایش اقتصادی، مردم و فعالان اقتصادی و بازارها واکنش مثبتی به آن داشتند که به علت تصورات‌اشتباهی بود که درباره این طرح در ذهن مردم شکل گرفته بود. از زمانی که آقای روحانی وعده ایجاد گشایش اقتصادی را به طور مبهم و سربسته مطرح کرد، این تصور در ذهن مردم ایجاد شد که دولت قرار است طرحی فوریتی برای کمک به مردم خصوصا اقشار متوسط و کم‌درآمد اجرا کند.

قطعا اگر آقای روحانی در همان روز ۱۵ مرداد به جای واژه «گشایش اقتصادی» واقعیت را بیان می‌کرد که دولت طرح پیش‌فروش نفت به مردم را برای رفع کسری بودجه مدنظر قرار دارد، نه وعده و دلگرمی غیرواقعی در مردم ایجاد می‌شد و نه اعتبار وعده‌های دولت پیش مردم، بیش از این خدشه‌دار می‌شد.

مهم‌ترین انتقادی هم که در این مدت به طرح دولت بیان شد، این بود که با پیش‌فروش نفت به مردم، کسری بودجه دولت دوازدهم به دوش دولت آینده خواهد افتاد. این در حالی است که دولت دوازدهم طی دو سال اخیر با فروش ده‌ها هزار میلیارد تومان اوراق مالی از هم‌اکنون دولت بعد را بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار کرده است، چراکه سررسید اوراق منتشرشده در دولت فعلی، در دولت سیزدهم خواهد بود و آن دولت باید معادل نصف بودجه عمومی خود را بابت بازپرداخت اوراق منتشرشده در دولت دوازدهم پرداخت کند. اگر طرح پیش‌فروش نفت هم اجرا شود و رقم مدنظر دولت از مردم جمع‌آوری شود، دولت بعد باید ۳۰۰ هزار میلیارد تومان سالانه برای بازپرداخت بدهی‌های دولت دوازدهم کنار بگذارد.

با این حال اخیراً اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، در جلسه شورای اقتصاد واقعیت ماجرای گشایش را پس از یک ماه بیان کرد و باشاره به پیشنهاد و طرح فروش اوراق سلف نفتی گفت: متاسفانه این طرح که گفته می‌شد می‌تواند تا ۱۴۰ هزار میلیارد تومان درآمد برای دولت ایجاد کند، به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها از دستور کار خارج شد.

قطعا دولت برای مجاب کردن مردم به خرید اوراق نفتی، سود آن را از نرخ سود سپرده بانکی بالاتر در نظر می‌گرفت که سبب تحمیل هزینه بیشتری به دولت آینده خواهد شد. دولت در سال جاری هم مجوز انتشار ۲۳۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی و بدهی را گرفته است که در کنار ۱۴۰ هزار میلیارد تومان اوراق نفتی، رقم ۳۷۰ هزار میلیارد تومان می‌شود که سود سالانه ۲۰ درصدی آنها طی دو سال آینده ۱۵۰ هزار میلیارد تومان که با اضافه کردن اصل این مبلغ به رقم ۵۲۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که تقریبا معادل کل بودجه عمومی دولت یازدهم در سال خواهد بود! یعنی دولت بعدی در سال ۱۴۰۱ دیگر بودجه‌ای نخواهد داشت و کل درآمدش را باید صرف بازپرداخت بدهی‌های دولت آقای روحانی کند.

مهم‌ترین وزارتخانه اقتصادی چرا بعد از ۵ ماه با سرپرست اداره می‌شود

یک روزنامه حامی دولت از بی‌برنامگی وزارت صمت در وضعیت جنگ اقتصادی دشمن انتقاد کرد.

روزنامه آرمان با اشاره به اینکه وزارتخانه صمت پنج ماه است (پس از برکناری رحمانی) بدون وزیر اداره می‌شود، نوشت: در مدتی که سرقینی سرپرست صمت شده خبرهای خوبی به گوش نرسیده و حتی بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که اوضاع از زمان نشستن او بر صندلی سرپرستی بهتر که نشده که بدتر هم شده، چرا که او نسبت به همه حوزه‌ها نه قدرت تصمیم‌گیری دارد و نه توان مدیریت.

بی‌برنامگی وزارت صمت آن هم در شرایط جنگ اقتصادی آمریکا، شرایط ویژه‌ای را در اقتصاد کشور رقم زده است. اوضاع اقتصادی کشور مدت‌هاست که در شرایط غیرعادی و تحریمی قرار دارد و همین وضعیت هزینه‌های زیادی را برای فعالیت‌ها و فعالان اقتصادی و تجار به‌وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این اتفاق هم اتخاذ و اجرای سیاست‌های نادرست و مدیریت‌های ناکارآمدی است که طی سال‌ها در بدنه سیستم اقتصادی نهادینه شده و به این راحتی‌ها هم تغییر نمی‌کند. تا زمانی که امکان فروش نفت وجود داشت بخش‌های صادرات، تولید و صنایع و.. شاید خیلی دیده نمی‌شدند، ولی امروز که تحریم گلوگاه‌های صادراتی نفتی را فشرده و اجازه رد شدن بشکه‌های طلای سیاه ایران را به بازارهای جهانی نمی‌دهد و از آن طرف هم جلوی ورود دلارهای نفتی گرفته شده، توجه به بخش بازرگانی و تولید ناخالص داخلی و افزایش صادرات غیرنفتی از مهم‌ترین راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت است. بسیاری از کارشناسان اقتصاد